

# شرق روزنامه

نگاه

#### سونامی در جزیره

اردشیر زارعی‌قناتی:
تایچ همه‌پرسی ماندن یا خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی، جهان سیاست را در شوک فرو برد، به‌طوری‌که چربش احساس بر منطق در اکثر تحلیل‌های سیاسی کاملا مشهود است. نتیجه این همه‌پرسی تأییدی بود بر اینکه جزیره بریتانیا هرچند در پهنه جغرافیایی اروپایی قرار دارد ولی هرگز در این قاره دوران ادغام را طی نکرد و همواره همچون پرنسس پرمدعایی بود که خود را تافته جداافتحه از دیگران می‌پنداشت.

با این همه‌پرسی عصر تازه شروع می‌شود که تأثیرات ژرفی بر موقعیت پادشاهی بریتانیا، وضعیت اتحادیه اروپا و ژئوپلیتیک جهانی گذاشته و موجب رقم‌خوردن مناسبات جدیدی می‌شود. این دوران برای هر بازیگری از آن به میزانی حامل دوگانه «فرصت- تهدید» خواهد بود و هرگز بازی با حاصل‌جمع صفر نبوده و همچنین نمی‌توان آن را تنها در قالب «برد و باخت» یک قمار در حوزه ملی بریتانیا یا عرصه منطقه اتحادیه اروپایی مورد ارزیابی قرار داد.

در شرایط جدید که ابعاد آن برای هر دو طرف ماجرا چندان روشن نیست و تحولات آتی فراتر از یک روند مدیریت‌شده تلقی می‌شود، هرگونه کنش احساسی‌ای می‌تواند گمراه‌کننده باشد و بالطبع هرگونه تصمیم‌گیری سیاسی از سوی دو طرف ماجرا براساس تقابل یا سودمندگرایی یک‌طرفه برای بازیگران بسیار پرهزینه خواهد بود. نباید فراموش کرد که موج «رانشی» کنونی در جهان معاصر که هم‌اکنون خود را در همه‌پرسی بریتانیا به‌خوبی نشان داد، تنها به بحث تضاد الگوی «دولت – ملت» با منطقه‌گرایی خلاصه نمی‌شود و بدون شک با توجه به ظهور و بروز چنین تمایلات ضدسیستمی و در مخالفت با «جهانی‌سازی» در سراسر جهان از شکست یک ایده بزرگ‌تری پیروی می‌کند که هم‌اینک تمام سامان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در قالب سیاست‌های نئولیبرالیستی به زیان توده‌های مردمی دچار خلل کرده است.

اما به هر دلیلی که نتایج همه‌پرسی بریتانیا را تحلیل کنیم، تا حدودی می‌توان نسبت به تأثیرات این تصمیم پُر حوزه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی یک الگوی نسبی از روند تغییرات آتی را به تصویر کشید. نتایج همه‌پرسی ۲۳ ژوئن بریتانیا بیش از آنچه که زلزله سیاسی باشد، یک سونامی است که کانون فاجعه تنها بخش ابتدایی خسارات را متحمل می‌شود اما حوزه پیرامونی و سواحل همسایه تلفات و قربانیان اصلی و بیشتری را در فردای حادثه متحمل خواهند شد.

۱- تأثیر برگزیت بر بریتانیا: در ساده‌ترین تعبیر می‌توان گفت که مردم بریتانیا از این پس خرج سفره خود را از اتحادیه اروپایی جدا کرده‌اند و به‌همین دلیل بر سفره کوچک‌تر آشپزخانه خود می‌توانند غذای باب‌میل صرف کنند، اما هزینه همین سفره را باید بیشتر بپردازند و در ضمن به محدودیت تنوع اقلام غذایی روی سفره نیز گردن نهند. پیروزی برگزیت، قدرت تصمیم‌گیری در تمامی حوزه‌ها را از نهادهای اروپایی به سازمان ملی منتقل کرده و از این پس (البته بعد از طی پروسه دوره انتظار که می‌تواند حدود دوسال طول بکشد) سیاست‌مداران و مردم بریتانیا فارغ از تعهدات فراملی می‌توانند مستقل از حوزه پیرامونی عمل کنند. هزینه‌ها در بخش بریتانیایی در افول جایگاه این کشور به‌عنوان مرکز مالی اتحادیه اروپا، امکان استقلال اسکاتلند، ایرلند شمالی، جبل‌الطارق، محدودیت در دسترسی به بازار بزرگ اتحادیه، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، ضرورت اخذ ویزا برای شهروندان برای مسافرت به اتحادیه، کاهش وزن بریتانیا در مناسبات بین‌المللی، پیچیدگی حقوقی بیشتر در تجارت خارجی، کاهش ارزش پوند و به‌طورکلی افول جایگاه این کشور در عرصه بین‌المللی خواهد بود. درعوض این روند جدید فرصتی در اختیار بریتانیا قرار می‌دهد مانند خلاص‌شدن از بوروکراسی فاسد اتحادیه اروپا، کسب منافع ملی بدون الزام به هیچ تعهد خاصی از اتحادیه، عبور از محدودیت‌های حقوقی تجارت طبق تعهدات اروپایی و گسترش روابط با قدرت‌های نوظهور، مدیریت موج فراینده مهاجرت، خروج از بن‌بست و رکود در اتحادیه اروپایی.

۲- تأثیر برگزیت بر اتحادیه اروپایی: بدون شک بزرگ‌ترین بازنده این همه‌پرسی موجودیت و هویت در‌حال‌انتظار اتحادیه اروپاست که همچون یک بیمار لاعلاج هم‌اکنون در چنبره مشکلات خود زمین‌گیر شده است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی که دومین قدرت اقتصادی و اولین قدرت ژئوپلیتیک آن تلقی می‌شد، در وضعیت دیگری از زمینه‌های تغییر در رویکرد خارجی دولت ترکیه، تلاطمات اقتصادی در این کشور است. بخش عمده‌ای از این تلاطمات ناشی از بحران امنیتی و تشدید تنش در روابط خارجی ترکیه بوده است. به‌عنوان مثال بمب‌گذاری‌های اخیر در شهرهای توریستی ترکیه به‌شدت به صنعت گردشگری که یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این کشور است، آسیب وارد کرده است. همچنین بروز تنش در روابط مسکو- آنکارا باعث شد در ماه‌های اخیر توریست‌های روسی که سهم قابل‌توجهی از توریست‌های ترکیه را

به خود اختصاص می‌دهند، نتوانند به این کشور سفر کنند. طبیعتا در چنین بستری، ترکیه ناگزیر شده به سمت اصلاح در رویکردهای خارجی خود حرکت کند. البته نباید انتظار داشت که در تغییر یکباره همه حوزه‌های دیگر در روابط خارجی ترکیه از جمله مسئله سوریه را هم شامل شود. به نظر می‌رسد ترک‌ها روندی تدریجی را آغاز کرده‌اند. این‌البته اقتضای سیاست‌است؛ زمانی که یک مسیر، کشوری را به هدف مدنظر نرساند، محکوم به تغییر مسیر است.

یادداشت

#### بازآرایی سیاست منطقه‌ای ترکیه

محمد خواجویی:
ترکیه تغییر در رویکردهای منطقه‌ای خود را کلید زده است. نمود این تغییر را باید در دو رخداد مشاهده کرد، نخستین رویداد، عذرخواهی ترکیه از روسیه به دلیل سرنگون‌کردن جنگنده این کشور است. حادثه سقوط این جنگنده در نوامبر سال گذشته میلادی که در بستر اختلاف‌های دو کشور در مسئله سوریه روی داد، تنش در روابط آنکارا و مسکو را به‌شدت افزایش داد. رویداد دوم که تغییر در رویکرد منطقه‌ای ترکیه را نمایان می‌کند، ازسرگیری روابط ترکیه و رژیم اسرائیل است، روابطی که حدود شش سال پیش و به دنبال حمله کماندوهای اسرائیلی به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه به غزه، بحرانی شد. اینک اما مشخص شده که دو طرف به‌دنبال سلسله گفت‌وگوهای محرمانه، قرار است روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند. کوبی دیگر هم برای اردوغان، ضدیت با اسرائیل برگ برنده و تکیه‌گاه نیست و هم برای اسرائیلی‌ها نیز بازسازی روابط با متحد دیرین خود از هرچیز دیگری مهم‌تر است. تحولات اخیر در عرصه روابط خارجی ترکیه، نشان می‌دهد آنکارا به دنبال بازآرایی سیاست خود در منطقه است، اما چه دلایلی آنکارا را به سمت این تغییر سوق داده است؟ یکی از این دلایل، شرایط دشوار ترکیه در منطقه است. گرچه حزب عدالت و توسعه از زمانی که به قدرت رسید، سیاست تنش‌زدایی یا همسایگانی و رویکرد منطقه‌گرایی را در دستور کار قرار داد اما این وضعیت دیری نپایید و با وقوع انقلاب‌های عربی که ترکیه خود را به‌شدت درگیر آن کرد، مسیر سیاست خارجی این کشور به سمت عکس حرکت کرد. بی‌شک چنین وضعیتی نمی‌تواند پایدار بماند مگر اینکه ترکیه-هرچند به شکلی تدریجی- خود را از سیاست‌های سال‌های اخیر خود رها کند تا از این طریق منافع درآمزد خود را حفظ کند. یکی دیگر از دلایلی که ترکیه را به تغییر در رویکردهای خارجی خود واداشته، وضعیت ناپایدار امنیتی در این کشور است. این کشور در یک سال اخیر شاهد بمب‌گذاری‌های متعدد بوده است. البته بسیاری معتقدند وخامت وضعیت امنیتی در ترکیه بازتابی از سیاست‌های اشتباه ترکیه در داخل و خارج از این کشور بوده است. یکی دیگر از زمینه‌های تغییر در رویکرد خارجی دولت ترکیه، تلاطمات اقتصادی در این کشور است. بخش عمده‌ای از این تلاطمات ناشی از بحران امنیتی و تشدید تنش در روابط خارجی ترکیه بوده است. به‌عنوان مثال بمب‌گذاری‌های اخیر در شهرهای توریستی ترکیه به‌شدت به صنعت گردشگری که یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این کشور است، آسیب وارد کرده است. همچنین بروز تنش در روابط مسکو- آنکارا باعث شد در ماه‌های اخیر توریست‌های روسی که سهم قابل‌توجهی از توریست‌های ترکیه را

به خود اختصاص می‌دهند، نتوانند به این کشور سفر کنند. طبیعتا در چنین بستری، ترکیه ناگزیر شده به سمت اصلاح در رویکردهای خارجی خود حرکت کند. بی‌شک چنین وضعیتی نمی‌تواند پایدار بماند مگر اینکه ترکیه-هرچند به شکلی تدریجی- خود را از سیاست‌های سال‌های اخیر خود رها کند تا از این طریق منافع درآمزد خود را حفظ کند. یکی دیگر از دلایلی که ترکیه را به تغییر در رویکردهای خارجی خود واداشته، وضعیت ناپایدار امنیتی در این کشور است. این کشور در یک سال اخیر شاهد بمب‌گذاری‌های متعدد بوده است. البته بسیاری معتقدند وخامت وضعیت امنیتی در ترکیه بازتابی از سیاست‌های اشتباه ترکیه در داخل و خارج از این کشور بوده است. یکی دیگر از زمینه‌های تغییر در رویکرد خارجی دولت ترکیه، تلاطمات اقتصادی در این کشور است. بخش عمده‌ای از این تلاطمات ناشی از بحران امنیتی و تشدید تنش در روابط خارجی ترکیه بوده است. به‌عنوان مثال بمب‌گذاری‌های اخیر در شهرهای توریستی ترکیه به‌شدت به صنعت گردشگری که یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این کشور است، آسیب وارد کرده است. همچنین بروز تنش در روابط مسکو- آنکارا باعث شد در ماه‌های اخیر توریست‌های روسی که سهم قابل‌توجهی از توریست‌های ترکیه را

به خود اختصاص می‌دهند، نتوانند به این کشور سفر کنند. طبیعتا در چنین بستری، ترکیه ناگزیر شده به سمت اصلاح در رویکردهای خارجی خود حرکت کند. البته نباید انتظار داشت که در تغییر یکباره همه حوزه‌های دیگر در روابط خارجی ترکیه از جمله مسئله سوریه را هم شامل شود. به نظر می‌رسد ترک‌ها روندی تدریجی را آغاز کرده‌اند. این‌البته اقتضای سیاست‌است؛ زمانی که یک مسیر، کشوری را به هدف مدنظر نرساند، محکوم به تغییر مسیر است.



عکس: AFP

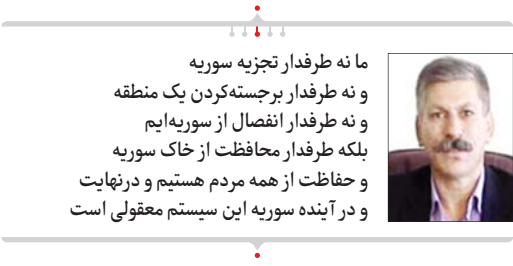
گفت‌وگوی «شرق» با نماینده کانتون‌های کُردستان سوریه در اقلیم کُردستان عراق؛

# به‌دنبال تجزیه خاک سوریه نیستیم

شمال سوریه خطی سراسری است که از شهر «دیروک» شروع شده و از شهر «عفرین» می‌گذرد. زمانی که این فدراسیون اعلام موجودیت کرد، هدف آن پیداکردن راه‌حلی برای مسائل چندسال سوریه بود که نه برای تجزیه سوریه است و نه برای وصل به منطقه دیگری، بلکه برای محافظت خاک و جامعه و مردم سوریه است و این را همه به‌خوبی می‌دانند. اما متأسفانه برخی تمایلی برای درک این مسئله ندارند چراکه اراده مردم سوریه و کُردها در آن دخیل است. آنها اگر این مسئله را قبول کنند، موضوع خوبی است اما اگر نخواهند این را قبول کنند، برای مردم ما مهم نیست چراکه مردم شمال سوریه این سیستم را قبول کرده‌اند و این برای ما پیروزی بزرگی است. این فدرالیسم را مردم قبول کرده‌اند و درحال‌حاضر به‌دنبال مستحکم‌کردن پایه‌های آن هستند و تا شش‌ماه دیگر سعی خواهیم کرد که با دیالوگ و گفت‌وگو درخصوص شیوه‌های مدیریت آن، سیستم مناسبی را به وجود آوریم. ما سعی خواهیم کرد با گسترش آن، مناطقی مانند «ادلپ» که در شمال کانتون عفرین قرار دارند و به درباری سفید نزدیک هستند؛ در این فدراسیون قرار بگیرند. این مرحله به زمان و مدیریت و جافتادن اصول آن بستگی دارد.

**کابعضی‌ها می‌گویند که الان موقعیت مناسبی برای اعلام فدرالیسم در شمال سوریه نبود.**

خب باید در جواب آنها گفت پس چه زمانی برای این امر مناسب است. ما اگر به‌دنبال حقوق مردم سوریه هستیم باید به‌صورت عملی بتوانیم حرکت مناسبی انجام دهیم. این مسئله به اعلام خودمختاری مربوط نیست بلکه این‌عمل به انکار حقوق مردم سوریه در اول و سپس به نادیده‌گرفتن حقوق مردم کُرد شمال سوریه برمی‌گردد. آنها نمی‌خواهند خواسته مردم سوریه عملی شود بلکه می‌خواهند با مخالفت با این کار بر وضعیت استیلا پیدا کنند. ما با توجه به حضور گروه‌های تندرو توریستی



ما نه طرفدار تجزیه سوریه و نه نه طرفدار برجسته‌کردن یک منطقه و نه نه طرفدار انفصال از سوریه‌ایم بلکه طرفدار محافظت از خاک سوریه و حفاظت از همه مردم هستیم و درنهایت و در آینده سوریه این سیستم معقولی است

در سوریه این سیستم را بسیار مناسب می‌دانیم و با توجه به اینکه در شمال و غرب سوریه، ملیت‌ها و مذاهب مختلفی وجود دارند، تلاش ما این است که با عدالت اجتماعی و سیاسی همه با هم در اداره این منطقه و در آینده سوریه همگام باشیم. شما اگر به مناطقی که تحت تصرف گروه‌های دیگر است بنگرید خواهید دید که کرد، ترکمن، مسیحی و... گروه‌های اتنیک‌ی و دینی مختلفی وجود دارند اما نه دارای حقی هستند و نه می‌توانند به غیر از زبان و هویت عربی، طرف دیگری را قبول کنند. اگر امروز ساختار اتنیک‌ی شمال سوریه به این سیستم راضی هستند، اطرافیان نیز بهتر است که آن را قبول کنند. ما نه طرفدار تجزیه سوریه و نه طرفدار برجسته‌کردن یک منطقه و نه طرفدار انفصال از سوریه‌ایم، بلکه طرفدار محافظت از خاک سوریه و حفاظت از همه مردم هستیم و درنهایت و در آینده سوریه این سیستم معقولی است.

**کامشکلات فراوانی، هم از طرف ارتش ترکیه و هم از سوی گروه‌های تندرو توریستی منوجه این منطقه است، اگر این سه قسمت به هم متصل، به درباری سفید نزدیک بشوند، باز هم تهدید و خطرها در این منطقه به قوت خود باقی خواهد ماند؟**

مشکلات فراوانی وجود دارد که تنها به مسئله فدرالیسم برنمی‌گردد بلکه از همان روز اول که ما اعلام کانتون کردیم، مشکلات به وجود



افشین غلامی

«غریب حسو»، عضو حزب اتحاد دموکراتیک (پ. ی. د) و نماینده کانتون‌های سه‌گانه شمال و غرب سوریه در اقلیم کُردستان عراق، معتقد است: «مناطق کُردنشین شمال سوریه و اتنیک‌هایی که در این منطقه زندگی می‌کنند، برای مبارزه با گروه‌های تندرو، سیستمی مناسب با شرایط و مختصات جنگی امروز به وجود آورده‌اند که هدف از آن انفصال از خاک سوریه نیست، بلکه مراقبت و پاسایی از خاک این کشور است». به همین منظور و برای آگاهی از وضعیت این منطقه به دفتر نمایندگی کانتون‌های کُردستان سوریه در شهر سلیمانیه در اقلیم خودمختار کُردستان عراق رفتم و با «غریب حسو»، نماینده کانتون‌های شمال سوریه، به گفت‌وگو پرداختیم و نظرات او را درباره اوضاع امروز سوریه و مناطق کُردنشین شمال سوریه و موضوع فدرالیسم جویا شدیم که مشروح آن در ادامه آمده است:

**کامرگروه‌های مخالف مناطق خودگردان موسوم به کانتون، مدیریت حزب شما در شمال سوریه را تلاش برای تجزیه قلمداد می‌کنند، پاسخ شما چیست.**

خیر، این تبلیغات مسموم سیاسی برخی برای تضعیف اراده مردم سوریه برای ناامیدکردن آنها به آینده سوریه است.

**کادرچند هفته گذشته حزب شما به‌عنوان حزب حاکم در شمال سوریه، اعلام سیستم فدرالیسمم در این منطقه کرده است، می‌توانید قدری درباره این موضوع توضیح دهید.**

ما به‌دلیل وضعیت امروز سوریه به‌دنبال راه‌حلی برای مواجهه با این موضوع هستیم. حال چه به‌عنوان سیستم خودمختاری و چه به‌عنوان هر سازمان دیگری ما تلاش می‌کنیم به اصل دیالوگ و آشتی ملت‌ها احترام بگذاریم و در این راه حرکت کنیم. ما به‌عنوان سیستم سیاسی مناطق کُردنشین سوریه هر لحظه به‌دنبال راه‌حلی بوده‌ایم؛ راه‌حل معقولی که بعد از پنج‌سال توانستیم بر سر آن به نتیجه برسیم و به نظر ما بسیار مناسب است و با شرایط امروز سوریه هم‌خوانی دارد، سیستم فدراسیون برای سوریه است و این برایمان خیلی مهم و ارزشمند است، چراکه طرف‌های دیگری نیز در وضعیت امروز سوریه وجود دارند. از سویی دولت سوریه، از جانب دیگر گروه‌های میانه‌رو و از سوی دیگر گروه‌های توریستی، سوریه را به چندین قسمت تقسیم کرده‌اند. در میانه این آشفته‌بازار، سیستم قوی و مناسبی که بتواند اراده همه مردم سوریه را رهبری کند وجود ندارد. یعنی هیچ‌گونه سازمانده‌ی و مدیریت مناسبی در این شرایط باقی نمانده تا بتوان براساس آن حکومت یکپارچه‌ای تشکیل داد، این در حالی است که کشتار و قتل‌عام توسط گروه‌های توریستی هرروز در این کشور افزایش می‌یابد. با این وصف، نشئت ژئو تشکیل می‌شود و ما هم می‌خواهیم به‌عنوان نیروی مقاوم و کارایی که در فضای میدانی سوریه، صاحب اثر هستیم، شرکت داشته باشیم که متأسفانه این چنین نمی‌شود. اگر طرف‌ها می‌خواهند راه‌حل معقولی برای اوضاع امروز پیدا کنند، باید همه گروه‌ها در آن شرکت داشته باشند.

امروز، هم در مسائل سوریه و هم در خاورمیانه نقش کُردها بسیار مهم و قابل‌تأمل است. هرچقدر مسائل مربوط به کُردها حل شود، به همان اندازه مشکلات مرتفع می‌شوند. تا زمانی که مباحث مربوط به کُردها در سوریه حل نشده و انکار شود، موضوعات مربوط به سوریه و ترکیه و خاورمیانه به قوت خود باقی خواهند ماند. ما فدراسیون شمال و غرب سوریه را اعلام کردیم و آن را حقی مشروع می‌دانیم و آن را پاسداری و محافظت از خاک سوریه محسوب می‌کنیم.

آسیه عبدالله، رئیس مشترک حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوری در گفت‌وگوی کوتاهی با «شرق» اذعان کرد: ما بنا به درخواست مردم منطقه، عملیات آزادسازی منبج را آغاز کردیم و پس از کنترل شهر، این منطقه به وسیله مجلس منبج اداره می‌شود. رئیس مشترک حزب اتحاد دموکراتیک در پاسخ به سؤال «شرق» درباره عملیات پاک‌سازی منطقه منبج از داعش گفت: عملیات‌هایی که در محور رقه و منبج آغاز شده، بنا به تماس‌های مکرر خود مردم منطقه بوده و ما با درخواست آنها وارد این عملیات شده‌ایم. او دلیل شروع عملیات را این‌گونه ذکر کرد: زندگی برای مردمی که تحت ستم داعش قرار دارند، تحمل‌ناپذیر شده و آنها به ما رجوع کرده‌اند و ما هم به آنها پاسخ دادیم.

رئیس مشترک حزب اتحاد دموکراتیک، مجلس اداره منبج را نهادی شکل‌گرفته از اراده مردم